

تدوین الگوی مدیریت راهبردی ج.ا.ا. بر مبنای مؤلفه‌های اثرگذار عقلانیت اسلام پایه

سید حسن آقایی فیروزآبادی^۱

محمود شیخ حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۱

چکیده

کارگزاران جامعه اسلامی تلاش می‌کنند با اتکای به نیروی بیکران نصرت الهی و عزمی راسخ آینده مطلوب جامعه را ترسیم کنند و اهداف و راهبردهای کلان مورد نیاز برای تعالی جامعه را با رویکردی الهام‌بخش تدوین و اجرا کنند. بدین منظور به الگویی برای مدیریت راهبردی نیاز است که بر پایه سیاست‌های ابلاغی ولی فقیه و بر سه رکن عقلانیت، حکمت و مصلحت اسلام‌پایه استوار باشد؛ اتکای مدیریت راهبردی بر این ارکان سه‌گانه می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، و اهداف سند چشم‌انداز کشور را فراهم کند و موجبات پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی و تکوین الگوی الهام‌بخش و سرآمد حکومت اسلامی را فراهم سازد. از این رو در این پژوهش با توجه به عدم پرداختن به سه رکن تأثیرگذار، الگویی از مدیریت راهبردی مبتنی بر عقلانیت ارائه شده است.

روش تحقیق مورد استفاده آمیخته (کیفی و کمی) است. در مرحله نخست، برای ارائه الگو از روش کیفی (نظریه‌پردازی داده‌بنیاد) استفاده شده است. بدین منظور متون مربوط به عقلانیت اسلام‌پایه بررسی شد و نتایج با استفاده از سه مرحله کدگذاری (باز، انتخابی و محوری) تحلیل و تفسیر شده‌اند. این الگو بیانگر مضامین عقلانیت در هر یک از مراحل چهارگانه مدیریت راهبردی (سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی) است. در مرحله دوم پژوهش، الگوی ارائه شده در مرحله کیفی به صورت کمی آزمون شده است. جامعه آماری تحقیق ۳۰ نفر از خبرگان حوزه مدیریت راهبردی است که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. برای اعتبارسنجی مضامین عقلانیت ارتباط با فرایند مدیریت راهبردی از مدل معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی) استفاده شده است. این نتایج نشان می‌دهند مضامین استخراج‌شده با فرایند مدیریت راهبردی ارتباطی منطقی دارند. بدین ترتیب نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم نیز نشان داد میزان تأثیرگذاری مقوله عقلانیت در هر یک از مراحل سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای راهبرد به ترتیب حدود ۰/۸۹، ۰/۷۶، ۰/۵۹ و ۰/۷۴ بوده است. این نتایج نشان می‌دهد تأثیر عامل عقلانیت در مراحل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نسبت به دو مرحله دیگر بیشتر بوده است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت، مدیریت راهبردی، عقلانیت، عقلانیت اسلام‌پایه.

^۱ استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲ نویسنده مسئول و دانشجوی رشته مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

رزم و راز پیروزی تمدن‌ها، جوامع و سازمان‌ها در شیوه و سبک مدیریتی مورد استفاده مدیران و رهبران سازمان‌هاست. شیوه رهبری و مدیریت در هر تمدنی به ساخت فرهنگی آن تمدن بستگی دارد. به عبارتی دیگر شیوه رهبری و مدیریت تابعی از ارزش‌های حاکم یک جامعه است و بدیهی است ماهیت عناصر تشکیل‌دهنده یک جامعه، خود نوع خاصی از نظام ارزشی و شیوه خاص مدیریت را اقتضا می‌کند. بنابراین نظام ارزشی اسلام تابع اوامر خداوند و «مقبولیت یا عدم مقبولیت» امور در نزد اوست و مسلمانان بر مبنای منابع فقهی یعنی کتاب (قرآن)؛ سنت؛ اجماع؛ و عقل می‌توانند وظایف خویش را در حضور پروردگار تشخیص دهند (شهید مطهری، ۱۳۶۱، ۱۱۸). در این نظام ارزشی، هم فرد، حقوقی دارد و هم جامعه، اصالت توأمان با فرد و جامعه است، بنابراین نمی‌توان هیچ‌یک را فدای دیگری کرد. آنچه در بحث مدیریت بر مبنای عقل و حکمت و مصلحت مطرح است حاکم بودن ارزش‌های عقلانی و معیارهای حکیمانه و مصلحت‌گرایانه اسلامی بر مدیریت در کنار بهره‌مندی از چارچوب‌ها و ساختارهای علمی و مدیریتی در توسعه توأمان علم و عمل دین‌پایه است، یعنی اگر علم مدیریت برای داده‌های خود از اصول، احکام، راه‌کارها و ارزش‌ها، اخلاق اسلامی بهره‌مند گردد، به موفقیت حقیقی خود دست خواهد یافت. درواقع مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام، زمینه‌های تعالی انسان را فراهم می‌آورد. این امر چه در سطح جامعه و چه در سطوح فرماندهی، مدیریت و رهبری سازمانی مصداق دارد، و لذا ذکر این نکته نیز ضروری است که این امر با به‌کارگیری اصولی که در علم مدیریت از نظر صاحب‌نظران غربی ارائه شده است، دارای فاصله و تمایز شفاف و بارزی است.

بیان مسئله

یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» که در بیانات معظم‌له بر آن تأکید شده است، این است که علوم انسانی و به‌طور خاص علوم مدیریت جهت‌دهنده و فکرساز است و مسیر و مقصد حرکت جامعه را تعیین می‌کند. یکی از دلایل مهم تأکید ایشان بر رشته‌های علوم انسانی به‌ویژه مدیریت این است که ایران کشوری در حال پیشرفت است و لذا الگوی کاملی برای روشن شدن مقصد و مسیر آن لازم است. معیارها و شاخص‌های این الگوی مبتنی بر عقل و حکمت و مصلحت اسلام پایه باید در تمامی رشته‌های علوم انسانی تحقق یابد و علم مدیریت نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجا که تئوری‌ها و الگوهای غربی ریشه در

بنیان‌های فکری و فلسفی خاص خود دارند که از فضای ارزشی حاکم بر جوامع غربی ناشی می‌شود، تبیین بنیان‌های فلسفی یک الگوی مدیریتی مبتنی بر عقل و حکمت و مصلحت‌نیزمند تفسیری اسلامی و هستی‌شناسانه از انسان است که تمامی ابعاد وجودی انسان فطری را در نظر گیرد. (Khamenei.ir-۱۳۸۸)

با دقت در مطالب فوق و کالبدشکافی فاصله و ضعف‌های موجود در مدیریت عقلانی و فقه‌پایه در حوزه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به محورهای ذیل به‌عنوان دلایل نقاط ضعف موجود اشاره نمود.

- کم‌توجهی به هدایت‌ها و رهنمودهای اساسی و سیاست‌های کلی ابلاغی مقام عظمای ولایت و امامت به امر مدیریت جامع و کلان‌نگر جامعه اسلامی در بخش‌های پژوهشی، آموزشی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کشور.

- وجود چالش و تنگنا در توانایی تفکیک حوزه‌ها و منابع مصلحت و عقلانیت در فلسفه و اندیشه اسلام و منابع وارداتی غربی و تدوین مبانی و ضرورت‌های مدیریت کلان در جامعه.

- ضعف در غنای دوره‌ها و ادبیات موجود مدیریت راهبردی موجود در زمینه عقلانیت و مصلحت‌سنجی اسلام‌پایه که این مسئله موجب کاهش اثربخشی تصمیمات می‌گردد.

بررسی موانع پیش روی پیاده‌سازی الگوی مدیریت اسلامی در جامعه اسلامی ایران نشان می‌دهد مشکلاتی مانند چیرگی الگوهای مدیریت غربی، ناآشنایی عمومی با قابلیت‌های مدیریت اسلامی، نبود معیار و مفهومی مشخص از مدیریت اسلامی در سطوح سازمانی، محدودیت مبانی نظری در زمینه مدیریت اسلامی در سطوح سازمانی، ابهام در معنا و مفهوم مدیریت اسلامی، نبود نگاه راهبردی با رویکرد اسلام‌پایه، کم‌توجهی به انجام پژوهش‌های مبتنی بر فقه و مصلحت‌سنجی در زمینه مدیریت اسلامی و در شمار مهم‌ترین موانع پیش روی مدیریت اسلامی بوده‌اند. اهمیت و حساسیت این مسئله در سطح مدیریت راهبردی بسیار بیشتر است.

سؤال تحقیق: پیاده‌سازی تدوین الگوی مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مؤلفه‌های اثرگذار عقلانیت اسلام پایه چگونه خواهد بود؟

هدف تحقیق: تدوین الگوی مدیریت راهبردی ج.ا.ا. بر مبنای مؤلفه‌های اثرگذار عقلانیت اسلام پایه

پیشینه تحقیق:

پروژه‌های تحقیقاتی

عنوان رساله: الگوی مدیریت راهبردی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

سؤال تحقیق: الگوی یا مدل بومی (ایرانی) فرایند مدیریت راهبردی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران چیست؟

نتیجه تحقیق: با توجه به مطالعه ادبیات موجود در این حوزه مدل یا الگوی بومی و پیشنهادات در خصوص فرایند مدیریت راهبردی در ۳ فاز تدوین، اجرا و ارزیابی ارائه گردیده است.

مقاله‌ها و همایش‌های علمی پژوهشی داخلی و خارجی

۱- لطف‌الله فروزنده دهکردی در مقاله‌ای با عنوان: «مروری بر مدل‌های برنامه‌ریزی راهبردی» به بررسی مدل‌های برنامه‌ریزی راهبردی پرداخته است.

نتیجه: این مقاله در دو بخش به معرفی مدل‌های برنامه‌ریزی راهبردی می‌پردازد. ابتدا تعدادی از مدل‌های تدوین برنامه‌ریزی راهبردی را که بر اساس توالی زمانی شکل گرفته‌اند، معرفی کرده و سپس در بخش دوم جدولی را برای تجزیه و تحلیل برنامه‌ریزی راهبردی معرفی می‌کند. این دو بخش، گام‌های اساسی طراحی برنامه‌ریزی راهبردی و نحوه تحلیل متغیرهای اساسی آن را بررسی می‌کند.

۲- حسین عصاریان نژاد در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های مدیر عاقل و مدیر حکیم» در پاسخ به سؤال «مدیر عاقل کیست؟» نتیجه تحقیق خود را در قالب ۲۴۰ نکته در مورد مدیر عاقل ارائه نموده است.

۳- حسین عصاریان نژاد در مقاله‌ای با عنوان «نقش فرایند مدیریت عقلایی در کیفیت تصمیم» با طرح سؤال «نقش فرایند مدیریت عقلایی در کیفیت تصمیم چیست؟» به نتایج زیر اشاره نموده است:

- ۱) شیوه عقلایی تصمیم‌گیری در سازمان‌ها با کیفیت تصمیم‌گیری رابطه‌ای مستقیم دارد.
- ۲) مدیران در تصمیم‌گیری‌های مهم و با اهمیت تمایل دارند بیشتر از فرایندهای مدیریت عقلایی استفاده نمایند.

۳) مدیران در تصمیماتی که با آن آشنایی قبلی دارند تمایل چندانی به استفاده از شیوه عقلایی تصمیم‌گیری از خود بروز نمی‌دهند.

اهمیت موضوع تحقیق یعنی ارائه الگوی مدیریت راهبردی بر اساس عقل اسلام‌پایه را از دو جنبه می‌توان بحث و بررسی نمود. اول آنکه غرب با توجه به سابقه طولانی انجام مطالعات حساب‌شده و سعی و خطاهای فراوان توانسته است دانسته‌ها و علوم خود را در حوزه علم مدیریت مانند سایر حوزه‌ها به صورت نظام‌مند و در چارچوب مشخصی تعریف و عرضه کند تا به طور گسترده بتواند آن را برای دستیابی به اهداف خود به کار گیرند. اما منابع اطلاعاتی و داده‌ها، و باید و نبایدهایی که در این چارچوب ریخته می‌شود دو اشکال عمده دارند. یکی اینکه به انسان و نیازها و سازمان‌های عمومی و وظایف آن سوگیرانه و تک‌بعدی نگریسته شده و به تمام جوانب انسانی توجه نشده است. دوم اینکه در مواردی حقایق و واقعیات بنا به دلایل خاص مورد تحریف قرار گرفته است. با وجود اینکه علم مدیریت غربی یا مدیریت صرف بر مبنای عقل مادی غرب برای تئوری‌ها و نظریات خود چارچوب کاربردی بسیار خوبی را تعبیه کرده است، اما با وجود دو اشکال عمده ذکر شده در آن، تمام خروجی‌های آن قابل تکیه و اعتماد نیست و ضرورت اصلاح آن احساس می‌گردد. برای این کار باید بتوان تمام منابع و اطلاعاتی که در برگیرنده نیازهای جامع انسانی و منطبق با حقایق عالم هستی و مکتب اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است را با کمک چارچوب‌های علمی امروز نظام‌مند کرد تا در سامانه مدیریتی ما کاربردی گردد.

در نگاه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی» «علوم انسانی نظیر مدیریت راهبردی برای جامعه جهت‌دهنده و فکرساز است و مسیر و مقصد جامعه را مشخص می‌کند. لذا مسئولان باید اهمیت آن را در یابند. رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن مدیریت راهبردی، تقلیدی کردن و ترجمه‌گرایی صرف آن در دانشگاه، پیشرفت واقعی نیست. البته این امر مخالفت با ترجمه نیست ترجمه‌ای خوب است که علم‌ساز باشد و باعث به وجود آمدن علم بومی شود. یاد گرفتن از دیگران خوب است، باید ترجمه کرد تا بتوان خود به وجود آورنده علم بومی مبتنی بر ارزش‌های الهی و حکیمانه بود» (بیانات معظم له در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۰۷، سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای «مدظله‌العالی»).

تاریخچه علم مدیریت آکنده از الگوهای مختلف هنجاری فرآیند مدیریت راهبردی است. در حالی که در مورد مفاهیم کلی مدیریت راهبردی در بین صاحب‌نظران و اندیشمندان این حوزه

تقریباً اتفاق نظر وجود دارد، در ساماندهی اجزای آن و انطباق مصادیق با مفاهیم، با گونه‌های متنوع و مختلفی از الگوها روبرو می‌شویم به قول برخی از نظریه‌پردازان «جنگلی از الگوها» ارائه شده است. این وضعیت قطعاً با نگاهی به پارادایم تجربی - انطباقی که تدوین راهبرد خلاقانه، شهودی و ابداعی می‌داند، سیال‌تر و وضعیت را قدری متنوع‌تر و بی‌ثبات‌تر می‌کند (حسن بیگی، ۱۳۹۰، ۱۱۴).

به این ترتیب به نظر می‌رسد یکی از ضرورت‌های ارتقای توان مدیریت راهبردی در کشور، تلاش در راستای ایجاد هماهنگی و تقریب نگاه و برداشت مدیران راهبردی از مفاهیم، مصادیق و موضوعات حوزه مدیریت مربوط است.

با توجه به آنچه در بالا آورده شد، این تحقیق درصدد است در کاوشی موشکافانه پیرامون الگوهای موجود مدیریت راهبردی اعم از ترجمه‌ای و تألیفی ضمن ملحوظ نظر قرار دادن شرایط، ویژگی‌ها و دیدگاه‌های خاص ارزشی و مدیریتی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به الگویی جامع از مدیریت راهبردی که در آن مؤلفه‌های عقلانیت، حکمت و مصلحت اسلام‌پایه مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد و زمینه برداشت هماهنگ از مفاهیم این حوزه در بین صاحب‌نظران و مدیران اجرایی کشور را فراهم نماید، ارائه کند.

این پژوهش از نظر هدف جزو روش‌های تحقیق توسعه‌ای و از نظر نوع داده‌ها جزو روش‌های تحقیق آمیخته متوالی (کیفی، کمی) و از نظر افق زمانی جزو تحقیقات مقطعی به شمار می‌رود؛ یعنی برای تدوین الگو از روش تحقیق کیفی و برای اعتبارسنجی الگو از روش کمی استفاده شده است.

داده‌های مورد نیاز این پژوهش با بررسی متون نظری مربوط به حوزه‌های عقلانیت اسلام‌پایه و همچنین مدیریت راهبردی استفاده شده است. همچنین برای تدوین الگو و اعتبارسنجی آن از ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش در مرحله کیفی را متون علمی موجود در زمینه مدیریت راهبردی و همچنین متون اسلامی موجود در حوزه عقلانیت اسلام‌پایه تشکیل می‌دهد. در مرحله کمی پژوهش نیز که برای اعتبارسنجی الگو استفاده شد جامعه آماری شامل خبرگان حوزه مدیریت راهبردی بوده است که شامل خبرگان دانشگاهی، حوزوی و مدیران اجرایی بوده که در حوزه‌های مرتبط با مدیریت راهبردی صاحب‌تجربه و اندیشه‌اند.

در این پژوهش از روش‌های نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند استفاده شده است. یعنی نمونه‌گیری به صورت هدفمند انتخاب می‌شود و افرادی به عنوان نمونه آماری انتخاب می‌شوند که در حوزه مدیریت راهبردی و مفاهیم پایه عقلانیت اشراف دارند، انتخاب می‌شود و نمونه‌گیری تا حدی ادامه می‌یابد که به اشباع نظری برسیم؛ یعنی مصاحبه با افراد بیشتر به اطلاعات جدید بیشتری نیانجامد.

از آنجاکه کیفیت داده‌ها بر اندازه نمونه تأثیر می‌گذارند در پژوهش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در این پژوهش برای بررسی ادبیات نظری، متونی شناسایی شد که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش داشته‌اند. در مرحله دوم نیز پرسشنامه‌ای که به منظور اعتبارسنجی الگو تدوین شده است با توجه به محدودیت تعداد خبرگان موجود در این زمینه بین ۳۰ نفر از خبرگان توزیع شد تا احتمال نرمال بوده داده‌ها افزایش یابد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کیفی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شده است یعنی متون مورد بررسی شده در زمینه عقلانیت اسلام‌پایه طی سه مرحله کدگذاری می‌شوند و بر این اساس الگوی مورد نظر تدوین می‌شود و در مرحله کمی برای تأیید و اعتبارسنجی الگو از مدل معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تأییدی) استفاده شده است.

روایی ابزار سنجش

در بخش کیفی این تحقیق برای اطمینان از روایی فرایند تحلیل داده‌ها و کسب نتایج، چندین جلسه بررسی بین تیم اجرایی پژوهش تشکیل شد و فرایند کدگذاری چندین بار مرور و بازبینی شد.

در بخش کمی پژوهش نیز از روش روایی محتوا استفاده شد؛ یعنی از نظرات خبرگان و کارشناسان موضوع بهره گرفته شده است. بدین ترتیب که مدل و عناصر آن شامل مفاهیم، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های شناسایی شده بین تعدادی از خبرگان و صاحب‌نظران توزیع و نظرخواهی شد و ضمن انجام اصلاحات و پیشنهادات بیان‌شده، روایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

پایایی ابزار سنجش

در بخش کمی پژوهش نیز برای ارزیابی میزان پایایی پرسشنامه از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این روش پاسخ هر سؤال می‌تواند مقادیر عددی مختلف اختیار کند. برای محاسبه

ضریب آلفای کروناخ ابتدا باید واریانس نمره‌های هر زیرمجموعه سوال‌ها پرسشنامه و واریانس کل محاسبه گردد. فرمول ذیل روش محاسبه این مقدار را مشخص می‌نماید. که در آن:

$$r_a = \frac{J}{J-1} \left(1 - \frac{\sum S_i^2}{S^2}\right)$$

J = تعداد سئوال‌های پرسشنامه یا آزمون
 S^2 = واریانس کل پرسشنامه
 S_i^2 = واریانس سؤال

این ضریب همیشه بین صفر و یک است. هرچه مقدار این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد، پایایی پرسشنامه بیشتر خواهد بود. در پژوهش حاضر میزان پایایی ابزار سنجش که با استفاده از نرم‌افزار آماري SPSS محاسبه شده ۸۲ درصد بوده که بیانگر پایایی بالای آن است.

تعاریف عملیاتی

عقلانیت نظری

«عقلانیت نظری» یعنی اینکه ما میزان پایبندی‌مان به یک عقیده را بر اساس میزان قوت شواهد و قرائنی که آن عقیده را تأیید می‌کند، متناسب نماییم. هر چه قرائن و شواهدی که یک عقیده را تأیید می‌کند بیشتر می‌شوند؛ میزان دل‌بستگی و پایبندی ما به آن عقیده باید بیشتر شود. البته این مطلب، مطلب واضحی است و بر هر که عرضه شود می‌پذیرد. اما در عمل ما تقریباً خلاف این عمل می‌کنیم و به تعبیر ابوالعلی معری در یک شعر بسیار عالی که می‌گفت: «وقتی که سخن با دلیلی می‌گویم با زبان آهسته و زمزمه‌گونه سخن می‌گویم، اما وقتی سخنم بی‌دلیل می‌شود فریاد می‌کشم.» ما نیز در زندگی حمیت و غیرتمان معطوف به آن سخنانی است که کم‌ترین میزان شواهد و قرائن به سودشان وجود دارد.

اما نسبت به عقایدی که بیشترین شواهد و قرائن در مورد آنها وجود دارد، هیچ حمیتی نداریم. برای مثال اگر کسی الآن در اینجا اظهار کرد که امروز که فی‌الواقع روز سه‌شنبه است، گفت که امروز چهارشنبه است، یا امروز دوشنبه است، من گمان نمی‌کنم هیچ کدام از شما غیرت و حمیتی بوزید، باینکه حقیقت صریحی را انکار کرده است. اما اگر گفته شود که در پیچ پنجم از پیچ‌های عالم برزخ، برخلاف چیزی که برخی گفته‌اند، فلانی نایستاده است و کس دیگری ایستاده است، آنگاه شما غیرت و حمیت می‌ورزید.

عقلانیت اسلامی

عقل در فرهنگ قرآن، به دو معنا به کار رفته است. یکی از ادارک و دیگری نیروی دراکه انسان است که وی را قادر می‌سازد حقایق امور، خیر و شر، و منفعت و مضرات آن‌ها را دریابد و هدایت‌گر انسان در زندگی باشد (طباطبائی: ۱۳۸۷ ق، ج ۴: ۳۹). هنگامی که عقل به مرحله خلوص برسد و خالص گردد، به آن «لُب» اطلاق می‌کند. هنگامی که عقل پخته شود، از آن به «فؤاد» یاد می‌کند. همچنین، قرآن کارکردهای متنوعی را برای عقل برمی‌شمرد، و مراتب گوناگون ادراک عقلانی را به انسان معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۵۰).

عقلانیت اسلامی دارای سطوحی از عقل استنباطی، متافیزیکی، نظری، عملی و ابزاری است و حضور اجتماعی این سطوح نیازمند حذف موانع اجتماعی آن و وجود حداقل‌هایی است که تضمین‌کننده آزادی مثبت برای اندیشه و باشد. عقلانیت به توانایی یا قابلیت سازگاری با محیط اطراف به شیوه‌های پیچیده و ظریف اشاره شد. این عقلانیت گاهی «عقل تکنیکی» و گاهی «مهارت برای بقاء» نامیده شده است. و از لحاظ اخلاقی بی‌طرف است. در این معنا از عقلانیت صرف توانایی موجود زنده در برابر محیط‌زیست برای زنده ماندن خود مدنظر است، اما استفاده بشر از زبان به عنوان ابزاری برای تعامل با هم‌نوعان و محیط‌زیست خود نیز به عنوان «عقلانیت» به شمار می‌آید. گاهی این عقلانیت، عقلانیت فنی یا تکنیکی و مهارت برای بقاء نیز نامیده شده است.

در واپسین مرحله است که به عقلانیت ابزاری و کنش منطقی در تنظیم «وسیله با هدف» حاجت می‌افتد و تمامی دقت‌های محاسباتی مورد ادعای عقلانیت غربی را در این مرحله لحاظ می‌کند. از همین روی، عقلانیت در سیره امام خمینی را باید عقلانیتی متفاوت از عقلانیت غربی دانست. امام خمینی در فقه و اندیشه‌های سیاسی از موضوع عقل بسیار استفاده زیادی نموده است.

ایشان با اعتقاد به اینکه دین برای اداره زندگی بشر کافی و کامل است و احکامی را در تمامی حوزه‌ها ارائه داده است؛ در عین حال اضافه کرده است که به دلیل آن که میان حکم شرع و عقل تلازم برقرار است، در برخی موارد که حکم شرع به ما نرسیده می‌توان از عقل مدد گرفت و آن را منبع قرار داد. امام (رحمت الله تعالی علیه) عقل را در قلمروی گسترده، فعال و سازنده در جایگاه «دریافت» و مهم‌تر از آن «تطبیق» می‌نشانند.

از نظر «وبر» چهار نوع عقلانیت وجود دارد: عقلانیت عملی، عقلانیت نظری، عقلانیت ذاتی، و عقلانیت ابزاری، وی عقلانیت ابزاری را یکی از عناصر اصلی تحول جامعه اروپا و پیدایش نظام سرمایه‌داری لیبرال در سده‌های اخیر می‌داند. بر اساس عقلانیت ابزاری، انسان هدف مشخص، مستقل و از پیش تعیین شده‌ای دارد که تلاش می‌کند با بررسی پیامدهای افعال خویش، رفتاری را برگزیند که او را به بالاترین سطح هدف خود نایل گرداند. بنابراین، عقلانیت ابزاری را می‌توان چنین تعریف کرد؛ (آزاد ارمکی، بی‌تا، ش ۱: ۴۶).

به‌طور کلی از نگاهی معرفت‌شناسانه، سه ویژگی را می‌توان برای تفکر فلسفی اروپایی پس از رنسانس برشمرد:

۱ - اکتفا به شناخت‌های تجربی و حسی، و محور قرار گرفتن عقل عینی و جزءنگر

۲ - اعلام انقطاع حکمت نظری از حکمت عملی، و جدایی دانش از ارزش

۳ - اعلام بی‌نیازی عقل از وحی و آموزه‌های و حیانی

ادبیات تحقیق:

عقلانیت و راهبرد

عقلانیت راهبردی در بینش اسلامی، در واقع همان عقلانیتی است که می‌توان با اتخاذ تدابیر مناسب، موقعیت اجتماعی فرد را در اجتماع، و موقعیت معنوی وی را در جهان دیگر بهبود بخشید و به تعبیر قرآن، «حیات طیب» را برای انسان به ارمغان آورد. بنابراین، عقلانیت ابزاری، به‌عنوان نوعی از عقلانیت راهبردی، فقط در صورتی می‌تواند از دیدگاه اسلامی پذیرفته شود، که در قالب «عمل صالح» درآید؛ زیرا فقط عمل صالح است که در کنار ایمان، توانایی دارد که حیات طیب را برای انسان به ارمغان آورد. این نکته را می‌توان از آیه ۹۷ سوره نحل استفاده کرد، که رابطه‌ای مثبت میان «عمل صالح» و دست‌یابی به «حیات طیب» برقرار می‌کند.

با توجه به این نکته که عقلانیت نظری ریشه در منشأ همه انواع دیگر عقلانیت است، می‌توان گفت که در اسلام، عقلانیت ابزاری در بستری از حکمت قرار می‌گیرد و در ظل حکمت فعالیت خواهد کرد. از این رو، عقلانیت وسیله، توأم با عقلانیت هدف خواهد بود، به همین دلیل، در حیات طبیعی که خداوند وعده داده است انواع عقلانیت اسلامی به‌گونه‌ای متعادل و متوازن به کار گرفته خواهد شد. بدین گونه، حکمت نظری و حکمت عملی، راهنمای حکمت و عقلانیت راهبردی خواهند بود و حیاط اجتماعی انسان‌ها، حیاتی طیب و پاکیزه خواهد گشت. به همین دلیل، در

قرآن، آن عقلانیتی که منقطع از حکمت باشد، موجب زیباترین اعمال خواهد شد؛ هر چند عامل و کنشگر آن را نیکوترین عمل و کنش بیندارد. آیات ۱۰۳ تا ۱۰۶ سوره کهف، ما را به این نکته توجه می‌دهد. (علی پور، ۱۳۸۵: ۱۸)

عقل و مدیریت راهبردی

در نگاه مدیریت راهبردی منظور از عقل، مؤلفه‌هایی از عقل است که بر مراحل مدیریت راهبردی اثرگذارند؛ مثلاً واقع‌گرایی.

مدیران معمولاً برای پیروی از عقلایی بودن مسئله را تعریف و تمام حقایق پیرامون آن را با توجه به افق زمانی سطح پوشش و حساسیت گردآوری می‌کنند. راهکارها را تنظیم و آن‌ها را اولویت‌بندی می‌کنند، سپس یکی را انتخاب می‌کنند و به اجرا درمی‌آورند.

عقلانیت ابزاری، قشری دیگر از «عقل عملی» است که از معیشت خانوادگی تا اقتصاد ملی و نیز مسئله مدیریت و (سیاست مدن) را در برمی‌گیرد. مراد اصلی جامعه‌شناسان غربی و تئوری‌پردازان «توسعه» از «عقل و عقلانیت» که از آن به «عقلانیت ابزاری» تعبیر کرده‌اند، صرفاً همین است.

عاقل کسی است که هر چیز را در جای خود قرار دهد. یگانه داروی تنظیم امور در سازمان‌ها، توأم شدن نظم و خرد است. هر کار درست و منظم، و هر فکر شایسته، به چهره و حیات مدیریت زیبایی می‌بخشد. همان‌طور که هر جاننداری بر اثر رعایت نکردن بهداشت، دچار بیماری می‌شود، جامعه نیز بر اثر بی‌نظمی دچار بیماری می‌گردد و کارایی خود را از دست می‌دهد. جامعه را به سوی جاودانگی هدایت می‌کند، و بی‌نظمی و بی‌خردی، مرگ زودرس را به ارمغان می‌آورد. امام علی (علیه السلام) قرآن و وجود با برکت آن را مایه و عامل نظم حیات اجتماعی می‌داند.

(علی دوست، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۵)

عقلانیت و آینده‌نگاری راهبردی

نظم دادن به اقدام‌ها و انتظارات معطوف به توفیق در اهداف آتی را عقلانیت^۱ نامیده‌اند. آینده‌پژوهان، هم‌چون دانشمندان و برخلاف هنرمندان، متعهد به حقیقت‌جویی هستند؛ اظهارنظرهای آن‌ها تا اندازه‌ای بر پایه مطالعه علمی واقعیت‌های گذشته و حال و تا اندازه‌ای نیز بر پایه گمانه‌زنی‌ها - و از جمله پیش‌بینی‌ها - استوار هستند. آینده‌پژوهان می‌توانند اظهارات خود را

بر پایه استدلال‌های آفاقی و عقلایی بنا کنند؛ با استدلال‌هایی که اگر همان اندیشه علمی نباشند، دست‌کم شبیه آن خواهند بود. (عیسوی، ۱۳۷۹: ۷۱-۷۲)

عقلانیت و کلان‌نگری راهبردی

با نوع خاصی از ابزار شناخت تنها می‌توان معرف خاصی را که در حوزه آن ابزار خاص می‌گنجد، به دست آورد. با ابزار حس فقط می‌توان امور تجربی را به‌چنگ آورد و معرفت‌های تجربی را کسب کرد. ابزار عقل، به امور کلی می‌پردازد و مفید معرفت عقلانی است. لذا، هیچ امر حسی و تجربی را نمی‌توان صرفاً با ابزار عقل شناخت. ابزار وحی، معرفت و حیاتی را درباره همه هستی در اختیار ما قرار می‌دهد و شناخت ما را از نظام آفرینش وسعت می‌بخشد.

عقل در یک سطح کلی به مسائل می‌نگرد، زمان و مکان نمی‌شناسد، محدوده ندارد و بسیار کلی است. کار معرفت از آن عقل است. حتی اگر در تجربیات حسی وارد عمل نشود، جمع ادراکات ممکن نخواهد شد. عقل است که کار معرفت را نشان می‌دهد، ابزارش نیز منطبق است و جای خاصی ندارد.

بر اساس آنچه از مطالعه متون نظری پژوهش استنباط شد منظور از عقلانیت در این پژوهش آگاهی، هوشمندی و تفکر منطقی است که شناخت و تحلیل پدیده‌ها را بر دو پایه تجربه و عمل از یک‌سو و نیز تفسیر و تحلیل علی از سوی دیگر فراهم می‌کند و موجبات آگاهی و شناخت جامع و اصولی از موقعیت کنونی و آینده و کسب حداکثر منافع را امکان‌پذیر می‌کند.

(عیسوی، ۱۳۷۹: ۷۱-۷۹)

تشریح الگوی مفهومی پژوهش

بر پایه تحلیل متون بررسی‌شده در حوزه مدیریت راهبردی در این پژوهش یکی از جامع‌ترین تعاریف ارائه‌شده در این زمینه به‌عنوان مبنای تدوین الگوی مفهومی پژوهش قرار گرفت. بر اساس این تعریف مدیریت راهبردی عبارت است از: علم و هنر ایجاد پیوند بین قابلیت‌های داخلی و فرصت‌های محیطی جهت حصول به اهداف، با توکل، بصیرت، تدبیر، هوشمندی و استحکام توأم با آینده‌نگری، جامع‌نگری و نگرش سیستمی همراه با مدیریت تحول، خلاقیت، نوآوری و یادگیری و توانمندسازی مستمر در راستای تدوین، اجرا و ارزیابی مستمر راهبرد (حسن‌بیگی، ۱۳۸۶). نقش و اهمیت مدیریت راهبردی در بخش دولتی بسیار حیاتی‌تر و تأثیرگذاری آن منافع، مصالح و رفاه عموم جامعه بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر است. این مهم، هم‌راستایی مدیریت راهبردی با آرمان‌ها،

ارزش‌ها و سیاست‌های کلان نظام اسلامی و انسجام درونی کارکردهای مدیریت راهبردی را ضروری می‌سازد. از این رو در این پژوهش در کنار مراحل سه‌گانه‌ای که در بسیاری از الگوهای مدیریت راهبردی به‌عنوان مراحل این فرایند معرفی شده‌اند دو اقدام اساسی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نیز در نظر گرفته شده‌اند و در نتیجه فرایند مدیریت راهبردی در نظام جمهوری اسلامی ایران شامل چهار مرحله اصلی سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، و اجرا و ارزیابی در نظر گرفته شده است. همچنین گستره، ماهیت و اهداف مدیریت راهبردی در سطح کلان جامعه ایجاب می‌کند که این مراحل همراه با آینده‌نگری، جامع‌نگری، کلی‌نگری، واقع‌گرایی و انعطاف-پذیری انجام شوند.

بر اساس آنچه از مطالعه متون نظری پژوهش استنباط شد منظور از عقلانیت در این پژوهش آگاهی، هوشمندی و تفکر منطقی است که شناخت و تحلیل پدیده‌ها را بر دو پایه تجربه و عمل از یک سو و نیز تفسیر و تحلیل علی از سوی دیگر را فراهم می‌کند و موجبات آگاهی و شناخت جامع و اصولی از موقعیت کنونی و آینده و کسب حداکثر منافع را امکان‌پذیر می‌کند.

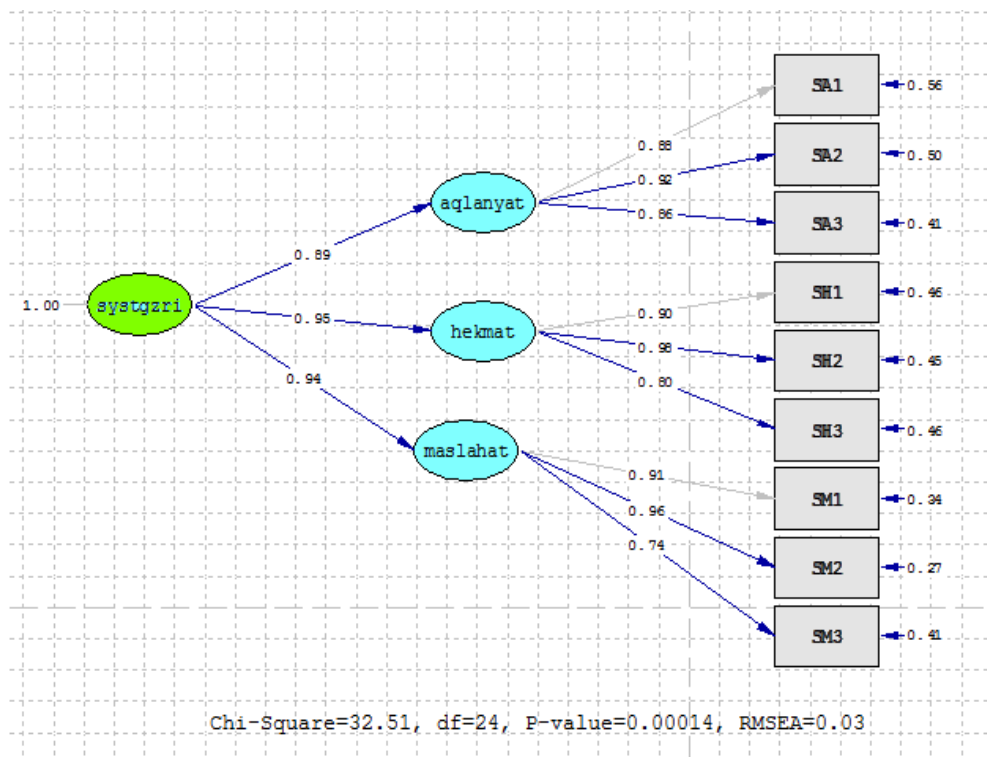
تجزیه و تحلیل :

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم مدل سیاست‌گذاری راهبردی

در نمودار زیر تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم مدل سیاست‌گذاری دیده می‌شود. در مرتبه اول میزان تأثیر هر یک از ابعاد عقلانیت در فرآیند سیاست‌گذاری مدیریت راهبردی نشان داده شده است که دارای ضریب بالایی است. بدین ترتیب که بعد عقلانیت با ضریب ۰.۸۹، در طراحی مدل مرحله سیاست‌گذاری فرآیند مدیریت راهبردی نقش دارد. به عبارت دیگر وجود بعد عقلانیت با ضرایب بالا در مدل تأیید می‌گردد. همچنین در مرتبه دوم تحلیل عاملی مدل میزان تأثیر هر یک از مضامین (گویه‌ها) مربوط به عقلانیت در نظر گرفته شده، نشان داده شده است. طبق این نمودار در سؤال مربوط به بعد عقلانیت با ضرایب بالایی مورد تأیید قرار گرفتند.

در بعد عقلانیت (گویه ۲) با ضریب ۰.۹۲ بیشترین ضریب و متعاقباً بیشترین عدد معناداری را در این بعد داراست. به‌طور کلی نتایج و شاخص‌های به دست آمده بر تأیید این بخش از مدل (ابعاد و مضامین) یعنی مرحله سیاست‌گذاری فرآیند مدیریت راهبردی اشاره دارد. شاخص $RMSEA$ که در ابتدای این بحث بدان اشاره گردید یکی از شاخص‌های برازش مدل است از آنجایی که در این مدل شاخص $RMSEA = 0.03$ است و کوچک‌تر از ۰.۰۸ است لذا می‌توان گفت که مدل از

برازش مناسبی برخوردار است. دو مورد دیگر از شاخص‌های مهم برای تأیید مدل شاخص‌های AGFI و GFI می‌باشند که عدد به‌دست‌آمده برای این دو شاخص در این مدل نیز (۰.۹۳ و ۰.۸۷) مناسب بوده و حاکی از تأیید مدل اندازه‌گیری در این مرحله است.



Goodness of Fit Index (GFI) = 0.93

Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI) = 0.87

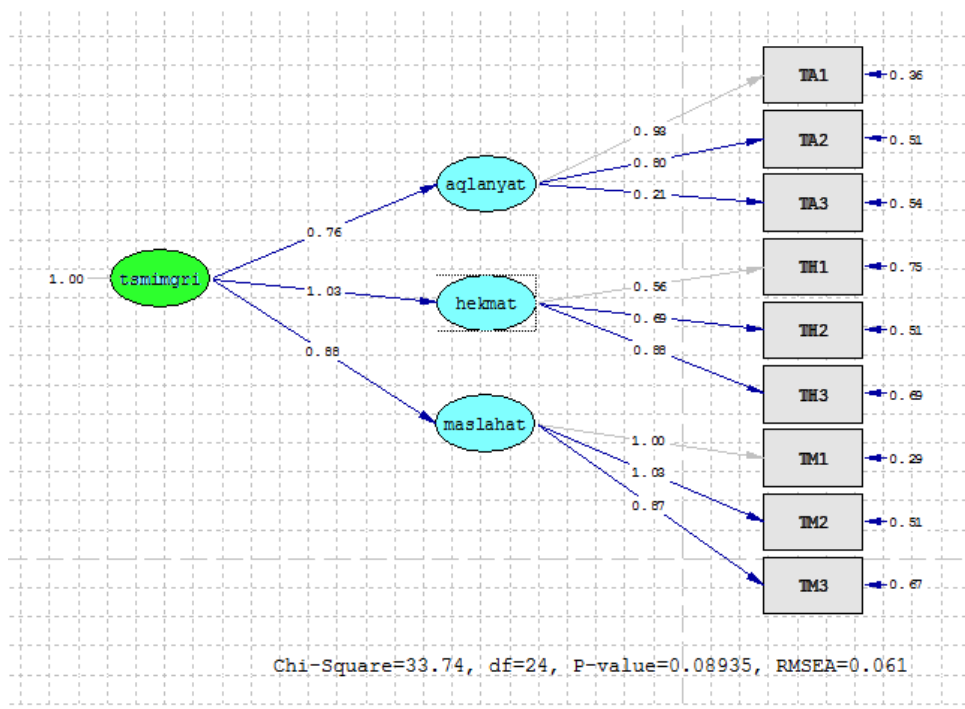
- تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم مدل تصمیم‌گیری راهبردی

در نمودار زیر تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم مدل تصمیم‌گیری دیده می‌شود. در مرتبه اول میزان تأثیر هر یک از ابعاد عقلانیت در فرآیند سیاست‌گذاری مدیریت راهبردی نشان داده شده است که دارای ضریب بالایی است. بدین ترتیب که بعد عقلانیت با ضریب ۰.۷۶، در طراحی مدل مرحله تصمیم‌گیری فرآیند مدیریت راهبردی نقش دارد. به‌عبارت‌دیگر وجود بعد عقلانیت با ضرایب بالا در مدل تأیید می‌گردد. همچنین در مرتبه دوم تحلیل عاملی مدل میزان تأثیر هر یک از

مضامین (گویه‌ها) مربوط به عقلانیت در نظر گرفته شده، نشان داده شده است. طبق این نمودار در سؤال مربوط به بعد عقلانیت با ضرایب بالایی مورد تأیید قرار گرفتند.

در بعد عقلانیت گویه یک با ضریب ۰.۹۳ بیشترین ضریب و متعاقباً بیشترین عدد معناداری را در این بعد داراست. بعد از آن گویه ۲ با ضریب ۰.۸۰ و گویه ۳ با ضریب ۰.۲۱ قرار دارند.

به‌طور کلی نتایج و شاخص‌های به‌دست‌آمده بر تأیید این بخش از مدل (ابعاد و مضامین) یعنی مرحله تصمیم‌گیری فرآیند مدیریت راهبردی اشاره دارد. شاخص RMSEA که در ابتدای این بحث بدان اشاره گردید یکی از شاخص‌های برازش مدل است از آنجایی که در این مدل شاخص $RMSEA = 0.06$ است و کوچک‌تر از ۰.۰۸ است لذا می‌توان گفت که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. دو مورد دیگر از شاخص‌های مهم برای تأیید مدل شاخص‌های AGFI و GFI می‌باشند که عدد به‌دست‌آمده برای این دو شاخص در این مدل نیز (۰.۹۴ و ۰.۸۸) مناسب بوده و حاکی از تأیید مدل اندازه‌گیری در این مرحله است.



Goodness of Fit Index (GFI) = 0.94

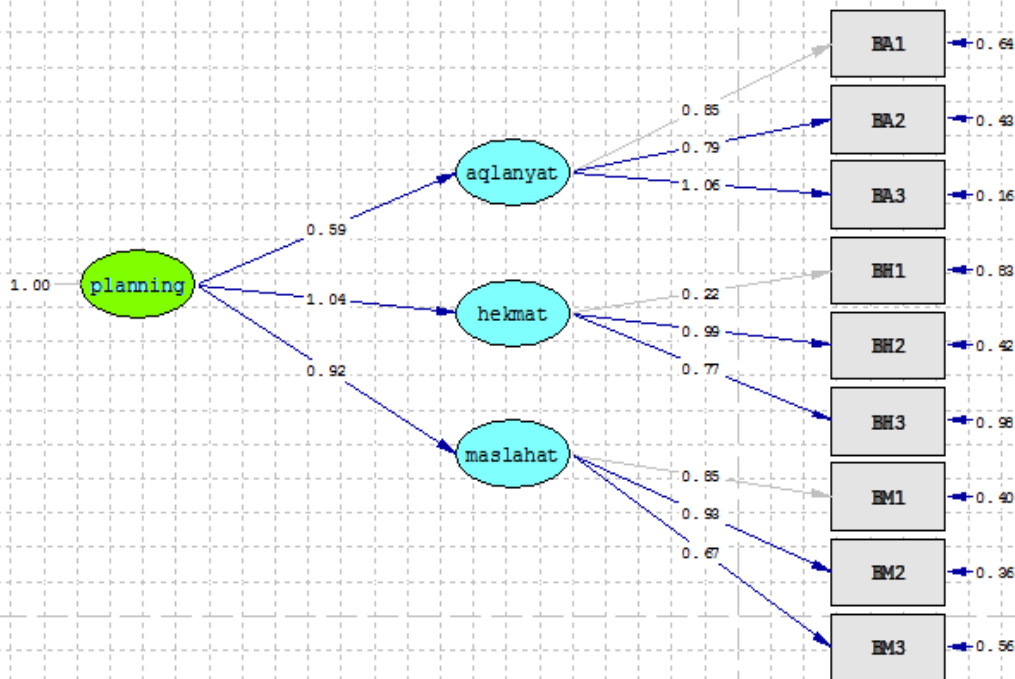
Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI) = 0.88

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم مدل برنامه‌ریزی راهبردی

در نمودار زیر تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم مدل برنامه‌ریزی دیده می‌شود. در مرتبه اول میزان تأثیر هر یک از ابعاد عقلانیت در فرآیند سیاست‌گذاری مدیریت راهبردی نشان داده شده است که دارای ضریب بالایی است. بدین ترتیب که بعد عقلانیت با ضریب ۰.۵۹، در طراحی مدل مرحله برنامه‌ریزی فرآیند مدیریت راهبردی نقش دارد. به عبارت دیگر وجود بعد عقلانیت با ضرایب بالا در مدل تأیید می‌گردد. همچنین در مرتبه دوم تحلیل عاملی مدل میزان تأثیر هر یک از مضامین (گویه‌ها) مربوط به عقلانیت در نظر گرفته شده، نشان داده شده است. طبق این نمودار در سؤال مربوط به بعد عقلانیت با ضرایب بالایی مورد تأیید قرار گرفتند.

در بعد عقلانیت (گویه ۳) با ضریب ۱.۰۶ بیشترین ضریب و متعاقباً بیشترین عدد معناداری را در این بعد داراست. بعد از آن گویه یک با ضریب ۰.۸۵ و گویه ۳ با ضریب ۰.۷۹ قرار دارند.

به‌طورکلی نتایج و شاخص‌های به‌دست‌آمده بر تأیید این بخش از مدل (ابعاد و مضامین) یعنی مرحله برنامه‌ریزی فرآیند مدیریت راهبردی اشاره دارد. شاخص RMSEA که در ابتدای این بحث بدان اشاره گردید یکی از شاخص‌های برازش مدل است از آنجایی که در این مدل شاخص $RMSEA = 0.000$ است و کوچک‌تر از ۰.۰۸ است لذا می‌توان گفت که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. دو مورد دیگر از شاخص‌های مهم برای تأیید مدل شاخص‌های AGFI و GFI می‌باشند که عدد بدست آمده برای این دو شاخص در این مدل نیز (۰.۹۵ و ۰.۹۲) مناسب بوده و حاکی از تأیید مدل اندازه‌گیری در این مرحله است.



Chi-Square=23.39, df=24, P-value=0.49670, RMSEA=0.000

Goodness of Fit Index (GFI) = 0.95

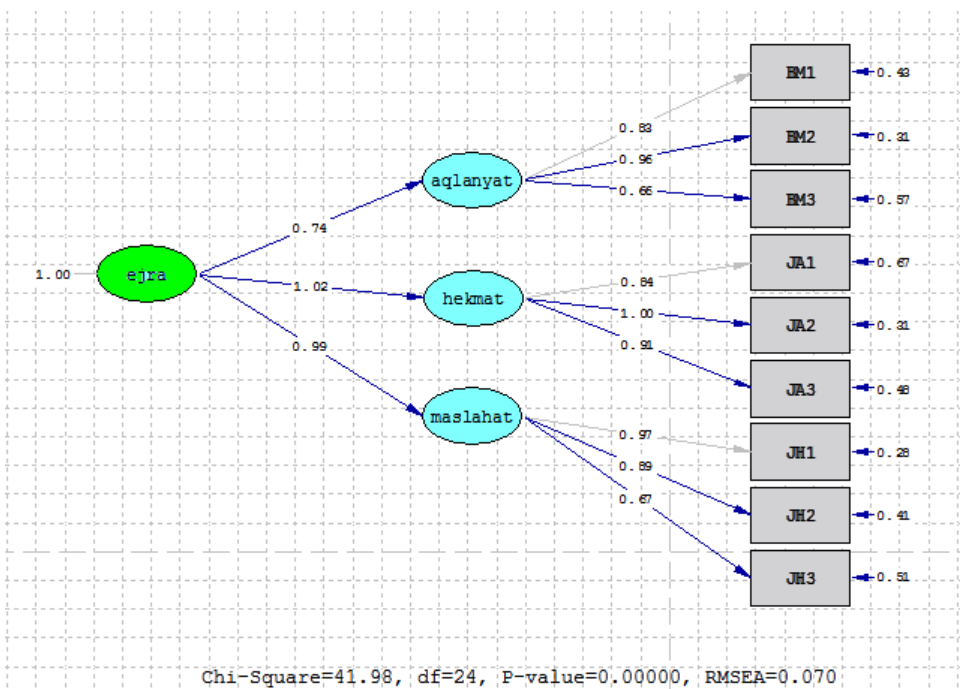
Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI) = 0.92

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم مدل اجرا و ارزیابی راهبردی

در نمودار زیر تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم مدل برنامه‌ریزی دیده می‌شود. در مرتبه اول میزان تأثیر هر یک از ابعاد عقلانیت در فرآیند اجرا و ارزیابی مدیریت راهبردی نشان داده شده است که دارای ضریب بالایی است. بدین ترتیب که بعد عقلانیت با ضریب ۰.۷۴، در طراحی مدل مرحله اجرا و برنامه‌ریزی فرآیند مدیریت راهبردی نقش دارد. به عبارت دیگر وجود بعد عقلانیت با ضرایب بالا در مدل تأیید می‌گردد. همچنین در مرتبه دوم تحلیل عاملی مدل میزان تأثیر هر یک از مضامین (گویه‌ها) مربوط به عقلانیت در نظر گرفته شده، نشان داده شده است. طبق این نمودار در سؤال مربوط به بعد عقلانیت با ضرایب بالایی مورد تأیید قرار گرفتند.

در بعد عقلانیت (گویه ۲) با ضریب ۰.۹۶ بیشترین ضریب و متعاقباً بیشترین عدد معناداری را در این بعد داراست. بعد از آن گویه یک با ضریب ۰.۸۳ و گویه ۳ با ضریب ۰.۶۶ قرار دارند.

به طور کلی نتایج و شاخص‌های به دست آمده بر تأیید این بخش از مدل (ابعاد و مضامین) یعنی مرحله اجرا و ارزیابی فرآیند مدیریت راهبردی اشاره دارد. شاخص RMSEA که در ابتدای این بحث بدان اشاره گردید یکی از شاخص‌های برازش مدل است از آنجایی که در این مدل شاخص $RMSEA = 0.07$ می‌باشد و کوچک‌تر از ۰.۰۸ است لذا می‌توان گفت که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. دو مورد دیگر از شاخص‌های مهم برای تأیید مدل شاخص‌های AGFI و GFI می‌باشند که عدد به دست آمده برای این دو شاخص در این مدل نیز (۰.۹۱ و ۰.۸۶) مناسب بوده و حاکی از تأیید مدل اندازه‌گیری در این مرحله است.



Goodness of Fit Index (GFI) = 0.91

Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI) = 0.86

آزمون مقایسه میانگین جامعه (آزمون تی تک نمونه‌ای)

در این بخش با استفاده از آزمون تی استیودنت (آزمون میانگین جامعه) به بررسی وضعیت هر یک از مضامین مربوط به ابعاد فرآیند مدیریت راهبردی به تفکیک مراحل فرآیند پرداخته شده است. هدف از این آزمون مشخص شدن جایگاه هر یک از ابعاد در هر مرحله و هر یک از مضامین در هر بعد است. از آنجایی که برای سنجش گویه‌ها و ابعاد از طیف سه موردی بسیار زیاد، زیاد و متوسط استفاده شده است و امتیاز آن‌ها به ترتیب ۳، ۲ و ۱ در نظر گرفته شده است لذا مقدار آزمون (Test value=2) عدد دو در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب ابعاد و مضامینی که میانگین بیشتر از ۲ داشته باشند دارای وضعیت مطلوب و مناسب بوده و به‌عنوان عامل مهم در مرحله مربوطه از فرآیند مدیریت راهبردی تلقی می‌شوند.

بررسی وضعیت ابعاد عقلانیت، حکمت و مصلحت در مرحله سیاست‌گذاری راهبردی

برای گردآوری داده‌های مربوط به آن مرحله از ۹ گویه استفاده شده است که سهم هر یک از ابعاد سه گویه است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون t استیودنت از نرم‌افزار spss استفاده شده که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

One-Sample Statistics

ابعاد و مضامین مرحله سیاست‌گذاری	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
گویه ۱ عقلانیت	۳۵	۲,۳۱۴۳	۰,۶۷۶۱۲	۰,۱۱۴۲۹
گویه ۲ عقلانیت	۳۵	۲,۴۸۵۷	۰,۶۵۸۴۹	۰,۱۱۱۳۱
گویه ۳ عقلانیت	۳۵	۲,۲	۰,۵۸۴۱	۰,۰۹۸۷۳

جدول فوق میانگین و انحراف معیار هر یک از مضامین عقلانیت، حکمت و مصلحت را نشان

می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در بعد عقلانیت هر سه گویه دارای میانگین بالای ۲ می‌باشند، این بدان معناست که این سه مضمون عقلانیت در مرحله سیاست‌گذاری فرآیند مدیریت راهبردی نقش مهم و مناسبی را ایفا می‌کنند.

خلاصه نتایج آزمون میانگین جامعه برای مرحله سیاست‌گذاری راهبردی

وضعیت	میانگین	مضامین	ابعاد
مناسب	۲,۳۱۴۳	تمرکز بر توسعه پایدار و کمال جامعه انسانی	عقلانیت
مناسب	۲,۴۸۵۷	تبیین راهنماها و جهت‌سازی‌های عقلایی، اخلاقی و عدالت محور	
مناسب	۲,۰۲	ابتنای سیاست‌ها بر پایه کسب موفقیت‌ها و رضایت الهی	

بررسی وضعیت ابعاد عقلانیت، حکمت و مصلحت در مرحله تصمیم‌گیری راهبردی

برای گردآوری داده‌های مربوط به آن مرحله از ۹ گویه استفاده شده است که سهم هر یک از ابعاد سه گویه است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون t استیودنت از نرم‌افزار spss استفاده شده که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

One-Sample Statistics

ابعاد و مضامین مرحله تصمیم‌گیری	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
گویه ۱ عقلانیت	۳۵	۲,۴	۰,۶۹۴۵۲	۰,۱۱۷۳۹
گویه ۲ عقلانیت	۳۵	۲,۲۲۸۶	۰,۶۶۳۵۸	۰,۱۱۲۱۷
گویه ۳ عقلانیت	۳۵	۲,۱۵۷۱	۰,۵۹۱۲۵	۰,۰۹۹۹۴

جدول فوق میانگین و انحراف معیار هر یک از مضامین عقلانیت، حکمت و مصلحت را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در بعد عقلانیت هر سه گویه دارای میانگین بالای ۲ می‌باشند، این بدان معناست که این سه مضمون عقلانیت در مرحله تصمیم‌گیری فرآیند مدیریت راهبردی نقش مهم و مناسبی را ایفا می‌کنند.

خلاصه نتایج آزمون میانگین جامعه برای مرحله تصمیم‌گیری راهبردی

ابعاد	مضامین	میانگین	وضعیت
عقلانیت	شناخت مسائل اساسی مادی و معنوی جامعه	2.4000	مناسب
	ارزیابی و اولویت‌بندی راه‌حل‌ها بر اساس خرد جمعی و خیر انسانی	2.2286	مناسب
	نیل به راه‌حل سعادت‌سازی دنیوی و اخروی جامعه انسانی	2.1571	مناسب

بررسی وضعیت ابعاد عقلانیت در مرحله برنامه‌ریزی راهبردی

برای گردآوری داده‌های مربوط به آن مرحله از ۹ گویه استفاده شده است که سهم هر یک از ابعاد سه گویه است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون t استیودنت از نرم‌افزار SPSS استفاده شده که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

One-Sample Statistics

ابعاد و مضامین مرحله برنامه‌ریزی	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
گویه ۱ عقلانیت	۳۵	۲,۳۲۸۶	۰,۶۱۷۶۷	۰,۱۰۴۴
گویه ۲ عقلانیت	۳۵	۲,۲۲۸۶	۰,۶۰۱۶۷	۰,۱۰۰۴۲
گویه ۳ عقلانیت	۳۵	۲,۵۷۱۴	۰,۵۵۷۶۱	۰,۰۹۴۲۵

جدول فوق میانگین و انحراف معیار هر یک از مضامین عقلانیت، حکمت و مصلحت را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در بعد عقلانیت هر سه گویه دارای میانگین بالای ۲ می‌باشند، این بدان معناست که این سه مضمون عقلانیت در مرحله تصمیم‌گیری فرآیند مدیریت راهبردی نقش مهم و مناسبی را ایفا می‌کنند.

خلاصه نتایج آزمون میانگین جامعه برای مرحله برنامه‌ریزی راهبردی

ابعاد	مضامین	میانگین	وضعیت
عقلانیت	هدف‌گذاری بر اساس نیل به موفقیت و عمل به تکلیف جمعی	۲,۳۲۸۶	مناسب
	ترسیم هوشمندانه تحقق تام منافع و ارزش‌های آرمانی و رشد حقیقت‌های فطری	۲,۲۲۸۶	مناسب
	تدوین راهبردهای متمایزکننده و تعالی‌بخش	۲,۰۵۷۱۴	مناسب

بررسی وضعیت ابعاد عقلانیت در مرحله اجرا و ارزیابی راهبردی

برای گردآوری داده‌های مربوط به آن مرحله از ۹ گویه استفاده شده است که سهم هر یک از ابعاد سه گویه است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون t استیودنت از نرم‌افزار SPSS استفاده شده که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

One-Sample Statistics

ابعاد و مضامین مرحله اجرا و ارزیابی	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
گویه ۱ عقلانیت	۳۵	۱,۰۵۷۱۴	۰,۶۵۴۶۵	۰,۱۱۰۶۶
گویه ۲ عقلانیت	۳۵	۲,۳۲۶۴	۰,۰۵۴۱۶۹	۰,۱۰۸۴۷
گویه ۳ عقلانیت	۳۵	۲,۶۸۵۷	۰,۰۵۲۹۷۹	۰,۰۸۹۵۵

جدول فوق میانگین و انحراف معیار هر یک از مضامین عقلانیت، حکمت و مصلحت را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در بعد عقلانیت هر سه گویه دارای میانگین بالای ۲ می‌باشند، این بدان معناست که این سه مضمون عقلانیت در مرحله اجرا و ارزیابی فرآیند مدیریت راهبردی نقش مهم و مناسبی را ایفا می‌کنند.

خلاصه نتایج آزمون میانگین جامعه برای مرحله اجرا و ارزیابی راهبردی

ابعاد	مضامین	میانگین	وضعیت
عقلانیت	ترکیب موزون و واقع‌گرایانه اهداف، ابزار و فرآیندها	۱,۵۷۱۴	نامناسب
	سازمان‌دهی و هماهنگی بر اساس حداکثرسازی کارایی و عمل جهادی	۲,۳۲۶۴	مناسب
	ارزیابی نتایج بر اساس بهره‌وری و کسب رضایت الهی	۲,۶۸۵۷	مناسب

خروجی این آزمون به شرح جداول زیر است:

شاخصه‌های آماری

N	۳۵
Chi-Square	۴,۳۰۶
df	۲
Asymp. Sig.	۰.۰۱۶

جدول فوق شاخصه‌های آماری این آزمون را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده که کوچک‌تر از ۰.۰۵ است فرض صفر آزمون رد شده و لذا می‌توان گفت که این مضامین دارای اهمیت یکسانی نمی‌باشند و می‌توان آن‌ها را اولویت‌بندی کرد.

رتبه‌ها

	Mean Rank
SA1	۲.۰۱
SA2	۲.۱۹
SA3	۱.۸۰

جدول فوق رتبه هر یک از مضامین را نشان می‌دهد که بر این اساس گویه ۲ (تبیین راهنماها و جهت‌سازی‌های عقلایی، اخلاقی و عدالت‌محور) با میانگین رتبه ۲.۱۹ در اولویت اول، گویه ۱ (تمرکز بر توسعه پایدار و کمال جامعه انسانی) با میانگین رتبه ۲.۰۱ در اولویت دوم و گویه ۳ (ابتنای سیاست‌ها بر پایه کسب موفقیت‌ها و رضایت الهی) با میانگین رتبه ۱.۸۰ در اولویت سوم قرار دارد.

بررسی اولویت مضامین بعد عقلانیت در مرحله تصمیم‌گیری راهبردی
خروجی این آزمون به شرح جداول زیر است:

شاخصه‌های آماری

N	۳۵
Chi-Square	۹,۲۱۳
df	۲
Asymp. Sig.	۰,۰۱۰

جدول فوق شاخصه‌های آماری این آزمون را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که کوچک‌تر از ۰,۰۵ است فرض صفر آزمون رد شده و لذا می‌توان گفت که این مضامین دارای اهمیت یکسانی نمی‌باشند و می‌توان آن‌ها را اولویت‌بندی کرد.

رتبه‌ها

	Mean Rank
TA1	۲,۳۴
TA2	۱,۸۱
TA3	۱,۸۴

جدول فوق رتبه هر یک از مضامین را نشان می‌دهد که بر این اساس گویه ۱ (شناخت مسائل اساسی مادی و معنوی جامعه) با میانگین رتبه ۲,۳۴ در اولویت اول، گویه ۳ (نیل به راه‌حل سعادت‌سازی دنیوی و اخروی جامعه انسانی) با میانگین رتبه ۱,۸۴ در اولویت دوم و گویه ۲ (ارزیابی و اولویت‌بندی راه‌حل‌ها بر اساس خرد جمعی و خیر انسانی) با میانگین رتبه ۱,۸۱ در اولویت سوم قرار دارد.

بررسی اولویت مضامین بعد عقلانیت در مرحله برنامه‌ریزی راهبردی
خروجی این آزمون به شرح جداول زیر است:

شاخصه‌های آماری

N	۳۵
Chi-Square	۱۵۰٫۲۵۸
df	۲
Asymp. Sig.	۰٫۰۰۰

جدول فوق شاخصه‌های آماری این آزمون را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که کوچک‌تر از ۰٫۰۵ است فرض صفر آزمون رد شده و لذا می‌توان گفت که این مضامین دارای اهمیت یکسانی نمی‌باشند و می‌توان آن‌ها را اولویت‌بندی کرد.

رتبه‌ها

	Mean Rank
BA1	۱٫۷۶
BA2	۱٫۸۱
BA3	۲٫۴۳

جدول فوق رتبه هر یک از مضامین را نشان می‌دهد که بر این اساس گویه ۳ (تدوین راهبردهای متمایزکننده و تعالی‌بخش) با میانگین رتبه ۲٫۴۳ در اولویت اول، گویه ۲ (ترسیم هوشمندانه تحقق تام منافع و ارزش‌های آرمانی و رشد حقیقت‌های فطری) با میانگین رتبه ۱٫۸۱ در اولویت دوم و گویه ۱ (هدف‌گذاری بر اساس نیل به موفقیت و عمل به تکلیف جمعی) با میانگین رتبه ۱٫۷۶ در اولویت سوم قرار دارد.

بررسی اولویت مضامین بعد عقلانیت در مرحله اجرا و ارزیابی راهبردی

خروجی این آزمون به شرح جداول زیر است:

شاخصه‌های آماری

N	۳۵
Chi-Square	۲۹٫۹۶۴
df	۲
Asymp. Sig.	۰٫۰۰۰

جدول فوق شاخصه‌های آماری این آزمون را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که کوچک‌تر از ۰.۰۵ است فرض صفر آزمون رد شده و لذا می‌توان گفت که این مضامین دارای اهمیت یکسانی نمی‌باشند و می‌توان آن‌ها را اولویت‌بندی کرد.

رتبه‌ها

	Mean Rank
JA1	۱.۴۹
JA2	۱.۸۹
JA3	۲.۶۳

جدول فوق رتبه هر یک از مضامین را نشان می‌دهد که بر این اساس گویه ۳ (ارزیابی نتایج بر اساس بهره‌وری و کسب رضایت الهی) با میانگین رتبه ۲.۶۳ در اولویت اول، گویه ۲ (سازمان‌دهی و هماهنگی بر اساس حداکثر سازی کارایی و عمل جهادی) با میانگین رتبه ۱.۸۴ در اولویت دوم و گویه ۱ (ترکیب موزون و واقع‌گرایانه اهداف، ابزار و فرآیندها) با میانگین رتبه ۱.۴۹ در اولویت سوم قرار دارد.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش برای تدوین "الگوی مدیریت راهبردی مبتنی بر عقلانیت" از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شد. بدین منظور بر اساس اهداف پژوهش متون مرتبط با الگوهای متداول مدیریت راهبردی و همچنین موضوعات عقلانیت جمع‌آوری، بررسی و سازمان‌دهی شد و سپس با انجام سه مرحله کدگذاری داده‌های به دست آمده از این متون تکوین یافت و با کمک آن‌ها الگوی نهایی پژوهش تدوین شد. در مرحله نخست کدگذاری یعنی باز از بررسی متون سازمان‌دهی شده در مجموع تعداد ۹۲ کد برای عقلانیت استخراج شد. در مرحله دوم کدگذاری بر اساس شباهت و نزدیکی معنا با هم ترکیب شدند و در نتیجه انجام این مرحله تعداد ۱۶ مفهوم در ارتباط با عقلانیت، استخراج شد. در سومین مرحله از این فرایند تدوین الگوی مورد نظر، کارکردهای هر یک از مراحل چهارگانه مدیریت راهبردی در نظر گرفته شد و با تلفیق مفاهیم استخراج شده و این کارکردها مضامینی ساخته شد که هم بر پایه دیدگاه‌های متداول مدیریتی استوارند و هم با دیدگاه‌ها و آموزه‌های اسلامی تکامل یافته‌اند. در نتیجه این مرحله از تدوین الگو برای هر یک از مراحل مدیریت راهبردی در ارتباط عقلانیت ارائه شد و بدین ترتیب مدل نهایی

تکوین یافت. در فاز دوم پژوهش الگوی ارائه شده در مرحله کیفی به صورت کمی آزمون و اعتبارسنجی شد. بدین منظور پرسشنامه‌ای بر اساس مضامین تدوین شد و در میان خبرگان دانشگاهی و اجرایی حوزه مدیریت راهبردی توزیع و جمع‌آوری شد. داده‌های حاصل از این پرسشنامه‌ها با کمک روش‌های آمار استنباطی تحلیل شدند. در این راستا به منظور بررسی اثر تبیین‌کنندگی مضامین بر مقولات عقلانیت و همچنین اثر تبیین‌کنندگی این سه مقوله بر فرایند مدیریت راهبردی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. در پاسخ به سؤال تحقیق نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که مؤلفه‌های زیر در تدوین الگوی مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مؤلفه‌های اثرگذار عقلانیت اسلام پایه مؤثر است؛

هر یک از مضامین ۱، ۲ و ۳ استخراج شده برای عقلانیت در مرحله سیاست‌گذاری به ترتیب حدود ۰/۸۸، ۰/۹۲ و ۰/۸۶ میزان تغییرات این مقوله در این مرحله از فرایند مدیریت راهبردی را تبیین می‌کنند.

هر یک از مضامین ۱، ۲ و ۳ استخراج شده برای عقلانیت در مرحله تصمیم‌گیری راهبردی نیز به ترتیب حدود ۰/۹۳، ۰/۸۰ و ۰/۲۱ میزان تغییرات این مقوله در این مرحله از فرایند مدیریت راهبردی را تبیین می‌کنند.

هر یک از مضامین ۱، ۲ و ۳ استخراج شده برای عقلانیت در مرحله برنامه‌ریزی راهبردی نیز به ترتیب حدود ۰/۸۵، ۰/۷۹ و ۱/۰۶ میزان تغییرات این مقوله در این مرحله از فرایند مدیریت راهبردی را تبیین می‌کنند.

هر یک از مضامین ۱، ۲ و ۳ استخراج شده برای عقلانیت در مرحله اجرا و ارزیابی راهبردی نیز به ترتیب حدود ۰/۸۴، ۱/۰۰ و ۰/۶۶ میزان تغییرات این مقوله در این مرحله از فرایند مدیریت راهبردی را تبیین می‌کنند.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم نیز نشان داد میزان تأثیرگذاری مقوله عقلانیت در هر یک از مراحل سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای راهبرد به ترتیب حدود ۰/۸۹، ۰/۷۶، ۰/۵۹ و ۰/۷۴ بوده است. این نتایج نشان می‌دهد تأثیر عامل عقلانیت در مراحل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نسبت به دو مرحله دیگر بیشتر بوده است.

پیشنهاد تحقیق:

وجود ادبیات گسترده‌ای که در زمینه الگوهای مدیریت راهبردی وجود دارد، الگوی مدیریت راهبردی که به‌طور هم‌زمان بر سه عامل عقلانیت، حکمت و مصلحت مبتنی باشد، هنوز به‌خوبی تکوین نشده است. شاید بتوان این پژوهش را یکی از جامع‌ترین مطالعات انجام‌شده در این زمینه دانست. جامعیت آن نیز به دلیل توجه هم‌زمان به نقش این سه عامل در تکامل الگوهای موجود مدیریت راهبردی در تناسب با اهداف، آرمان‌ها و اقتضائات جامعه اسلامی است. با وجود این، تعداد زیاد عوامل تشکیل‌دهنده الگو مانع از آن شد که همه مضامین مربوط به هر یک از این عوامل به‌طور کامل بررسی و تحلیل شوند. از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی که در این زمینه انجام می‌شوند، تأثیر هر یک از عوامل عقلانیت، حکمت و مصلحت در فرایند مدیریت راهبردی به‌طور عمیق‌تر و گسترده‌تر مورد مطالعه قرار گیرند. بر این اساس پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آتی در این زمینه ارائه می‌شوند:

الف) بررسی میزان تأثیر عامل عقلانیت، حکمت و مصلحت در فرایند مدیریت راهبردی در شرایط عادی، چالش‌زا و بحرانی.

ب) بررسی الزامات و چگونگی پیاده‌سازی الگوی مدیریت راهبردی مبتنی بر عقلانیت، حکمت و مصلحت در نظام اسلامی.

منابع:

- اکبری، رضا (۱۳۸۶)، عقلانیت، تصمیم‌سازی، اصل شورا، فصلنامه اندیشه مدیریت، شماره ۱، بهار.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰)، مدیریت راهبردی، تهران: انتشارات سمت.
- رحیم پورازغندی، حسن، (۱۳۷۸)، عقلانیت، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- علی پور، فاطمه، (۱۳۸۵)، نقش عقلانیت در فرهنگ و علوم اسلامی، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی (مشکوٰۃ النور).
- علی دوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، فقه و عقل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عیسوی، محمود، (۱۳۷۹)، معرفت‌شناسی، عقلانیت و اقتصاد، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) شماره ۱۱ و ۱۲.
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، بخشی درباره مرجعی نوروحنیت، مقاله "ولایت وزمامت"
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، چاپ دوم، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوارالفاقه، ج ۱.

